

حسین توانا، پس از ۱۳ سال حضور در لیگ برتر فوتسال، امسال از داوری خداحافظی کرد

سوت پایان برای آقای داور



راه تجربه



داوری و خاطرات شیرینش

فوتسال جایی بود که توانا می‌توانست سوت زن باشد، نه فقط ناظری در خط کنار. از سال ۱۳۹۱، وارد لیگ برتر فوتسال شد و سیزده سال تمام، سوتش نوازنده ریتم بازی‌ها بود. اولین تجربه رسمی داوری او، در زادگاهش، مشهد، در کنار حسین شقایبی، داور قدیمی، رقم خورد. توانا تعریف می‌کند: در آن بازی، من داور چهارم بودم. او با حوصله همه نکات را به من آموزش داد و هنوز هم هر بار او را می‌بینم، به خاطر آموزش‌هایش از او تشکر می‌کنم.

برای حسین آقا، تقریباً همه داوری‌ها خاطره‌انگیزند. اما مسابقات جام رمضان جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا تیم‌های اقشار مختلف در آن حضور دارند و گاهی اتفاقات غیرمنتظره و شیرینی در آن رخ می‌دهد.

حسین آقا تعریف می‌کند: یک بار در جام رمضان، بازیکنان یکی از تیم‌های بزرگ سالان همه با هم فامیل بودند. در نیمه اول، پسر بچه‌ای ده ساله مدام دور من می‌گشت. بعد از نیمه اول به خاطر موضوعی یکی از اعضای آن تیم را از بازی اخراج کردم. همان پسر بچه قبل از شروع نیمه دوم، با پشمانی اشک‌آلود پیش من آمد و خواهش کرد اجازه بدهم عمویش در بازی حضور داشته باشد. تازه متوجه شدم این تیم از اقوام او هستند. نمی‌خواستم آواز بازی خاطره تلخی داشته باشد. به او گفتم «برو به عمویت بگو به خاطر تومی تواند بازی کند».

قد و قامت مناسب داوری فوتبال نبود

طی این سال‌ها دانش و دقت نظر او درباره قوانین بازی و مشاهده داوری‌ها باعث شد مسیر قضاوت را به جای بازی انتخاب کند. توانا می‌گوید: به خاطر علاقه‌ام به ورزش، رشته تربیت بدنی را در دانشگاه انتخاب کردم. سال ۱۳۸۰ که ۲۱ سال داشتم، روی برد دانشگاه آگهی برگزاری کلاس‌های داوری درجه سه را دیدم. من هم که عاشق داوری و سوت زدن بودم، بدون معطلی در این کلاس شرکت کردم و زیر نظر استاد مرحوم تقی پور این دوره را گذراندم. کم‌کم در این حوزه فعالیت‌م را آغاز کردم.

حسین آقا تعریف می‌کند: پس از گذشت شش هفت سال به سطح داوری کشور معرفی شدم. اول به عنوان داور فوتبال، اما در مراحل بعدی، من را به عنوان کمک داور معرفی کردند. متوجه شدم در استان‌ها، شرایطی برای انتخاب داور گذاشته‌اند که یکی از آن‌ها قد و قامت است. باتوجه به قد و قواره‌ام، من را به عنوان کمک داور گذاشته بودند. اگر قرار بود کمک داور فوتبال شوم، به خواسته‌ام نمی‌رسیدم. از استادان مشورت گرفتم و در نهایت به سمت قضاوت در فوتسال رفتم.

حمیده صفائی احسین توانا، ساکن محله ارشاد، سوت زن بی‌ادعای عرصه فوتسال ایران است که پس از سیزده سال حضور پررنگ، خرداد امسال از داوری حرفه‌ای خداحافظی کرد.

این خداحافظی خواسته دوساله او بود. اما فدراسیون با آن موافقت نمی‌کرد. او برای رفتن، دلایل خود را داشت: «همه داوری‌های لیگ برتر را تجربه کرده بودم. می‌خواستم در زمان اوج خداحافظی کنم و برای داوران جوان فضا را باز کنم.»

عشق توانا به صدای سوت در زمین فوتبال، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد و او را به دنیای داوری کشاند؛ دنیایی که سال‌ها میزبانی‌اش را کرد و اکنون در چهل و پنج سالگی از آن خداحافظی کرده است.



عشق به سوت زدن در بازی

«دوست داشتم در بازی سوت بزنم.» این را که می‌گوید، لبخند بر لبانش می‌نشیند.

عشق به سوت، برای حسین آقا، به روزگاری دور برمی‌گردد؛ روزگاری که با مقابله‌ای خودش کارت زرد و قرمز درست می‌کرد و در همان بازی‌های دوستانه جوانی و نوجوانی، علاوه بر بازی، سوت به لب، داوری می‌کرد.

ریشه‌های این عشق را باید در همان کودکی جست و جو کرد؛ در کوچه پس‌کوچه‌های کوی کارگران، روزهایی که با دوستانش چنان غرق بازی می‌شدند که همسایه‌ها را به ستوه می‌آوردند. شکستن شیشه و در دروازه‌های دیگر برایشان عادی شده بود.

حالا با گرفتن این خاطرات، خودش هم می‌خندد. توانا ادامه می‌دهد: آن زمان هفت هشت سال بیشتر نداشتم. جز بازی به چیزی فکر نمی‌کردیم. در همان کوچه‌های محله مشغول بودیم تا اینکه فهمیدیم باید فکری به حال فضای بازی مان کنیم. بعد از کلی پیگیری، بالاخره یک زمین در خیابان چمن پیدا کردیم و بازی مان را به آنجا بردیم تا مزاحم همسایه‌ها نباشیم.

با همان لبخندی که به لب دارد، یادآوری می‌کند: کلابچه‌ها فارغ از پست و جایگاه، فقط برای دل خودشان بازی می‌کنند؛ من هم همین طور بودم. کم‌کم متوجه علاقه‌ام به این رشته شدم. در دبیرستان، دانشگاه و حتی محیط کار، همیشه عضو تیم‌های فوتبال و فوتسال بودم.

او چند سالی در جلسات قرآنی مجمع یاسین قاریان نوجوان مشهد حضور داشت. در آن دوران هم تعدادی تیم فوتسال تشکیل داد تا در مسابقات شرکت کنند و بعضی از آن‌ها تا پله‌های قهرمانی هم پیش رفتند.

خداحافظی از قضاوت در زمین

توانا پس از ۲۴ سال قضاوت در بازی‌های فوتبال و فوتسال ایران و سیزده سال حضور پررنگ در لیگ برتر، حالا از دنیای داوری خداحافظی کرده است. او با یادآوری خاطرات سال‌های پرکارش می‌گوید: در مسابقات مختلف سوت زده و تجربه‌های بسیاری کسب کرده‌ام. فکر نمی‌کنم موضوع جدیدی باشد که بخواهم در این حوزه تجربه کنم؛ به همین دلیل تصمیم گرفتم در اوج خداحافظی کنم و راه را برای داوران جوان باز بگذارم.

حسین آقا ادامه می‌دهد: حالا می‌خواهم انرژی‌ام را بر آموزش داوران جوان متمرکز کنم؛ به صورت میدانی و با حضور در زمین، فوت و فن کار و آنچه را طی سال‌ها از استادانم آموخته‌ام، در اختیارشان بگذارم.

توانا به آینده هم فکر می‌کند و می‌گوید اگر بار دیگر به دنیا بیاید، بی‌تردید باز هم داور می‌شود. اما این بار مسیر را مستقیم‌تر و بدون وقفه طی می‌کند تا شانس حضور در عرصه بین‌المللی را از دست ندهد.

سوت برای توانا تنها یک ابزار نبوده است؛ نوایی بود که با روحش گره خورد و هنوز هم قصد ندارد آن را کنار بگذارد.

او می‌گوید: حالا که از داوری دور شده‌ام، احساس می‌کنم از آنچه دوست دارم جدا افتاده‌ام؛ از سوت زدن و وسط زمین. اگر چه داوری حرفه‌ای را کنار گذاشته‌ام، در جام رمضان و بازی‌های دوستانه، هنوز هم سوت می‌زنم. نمی‌خواهم به هیچ وجه از این فضا دور بمانم.

